

ماشین «عقل» امیر یالیسم چگونه تعبیه شده است

در صفحه ۲

مردم

ازگان مرکزی غرب توده ایران

این شماره: ۸ صفحه

دوره هفتم، سال اول، شماره ۴۹۶
دوشنبه ۱۵ مردادماه ۱۳۵۸
تک شماره ۱۵ ریال

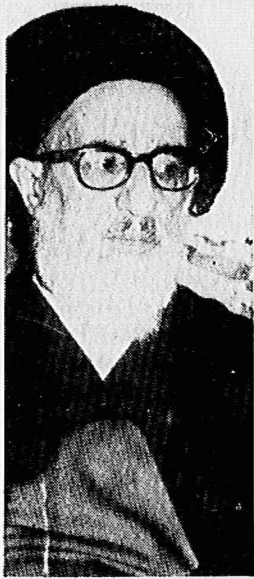
در صفحات بعد میخوانید:

- توپخانه‌های جنایت آمیز امپریالیسم آمریکا و صهیونیسم علیه سازمان آزادیبخش فلسطین (صفحه ۲- ستون اول)
- شناخت جامعه کشورما (۵) - دولت و دولتمداری در ایران (صفحه ۳- ستون اول)
- چرا دولت اسناد را افشاء نمیکند؟ (صفحه ۳- ستون پنجم)
- بیانیه حزب کمونیست عراق درباره وضع کنونی عراق (صفحه ۶- ستون اول)

آیت الله طالقانی

در دومین نماز جمعه گفت:

کسانی که به جوامع، سخنرانی‌ها و کتابخانه‌ها حمله می‌کنند، تصور نکنند خدمتی به دین می‌کنند



جمعه گذشته، دومین نماز جمعه به امامت آیت‌الله العظمی طالقانی در دانشگاه تهران برگزار شد. آیت‌الله طالقانی در خطبه نماز برای صدها هزار نفر که برای خواندن نماز گزیده بودند، سخن گفت.

آیت‌الله طالقانی در بخشی از سخنان خود چنین گفت: «آن کسی که، آن دسته‌ای که بنام دین به گروهی حمله میکنند، به جوامع آنها، به سخنرانی آنها، کتابخانه‌های بعضی از گروه‌ها را مورد حمله قرار میدهند، اینها تصور نکنند خدمتی به دین میکنند. اینها یا مسلمانان ناآگاه هستند و یا آلت دست اند و هیچ توجه ندارند اعلامیه‌ها و پوسترها را پاره میکنند.»

همین کارهای کوچک موضعی در گوشه‌ای از تهران، در یک دهی، در یک قصبه‌ای، در یک شهرستان، بلندگوهای استعمار و اس‌اِوِل و دشمنان‌ها شروع میکنند همین را وسیله فرار میدهند که در ایران آزادی نیست، هم‌هنگام حیثیت اسلام است هم‌هنگام حیثیت رهبری است.»

آیت‌الله طالقانی گفت: «چرا بعضی در پوست خودمان هستیم و متوجه نیستیم این اعمال نه‌مورد رضای پیمبر و اولیای اسلام است نه‌مورد رضای رهبری‌ماست، نه‌دولت‌ماست.»

آیت‌الله طالقانی افزود: «چشم‌پوشی میکنند، ببینند، برنامه

نکاتی جالب توجه پیرامون نطق آقای بازرگان

چرا نخست وزیر از بردن نام امپریالیسم امریکا بعنوان دشمن اصلی انقلاب ایران ابا دارد؟

بگفته ایشان، «آن قسمت از قراردادهای تسلیحاتی که بر مبنای ژاندارم بودن ایران در خلیج فارس و برای ارضاء روح جاه‌طلبی شاه (۱) انجام گرفته بود، را از بین برده‌ایم. اما همه قراردادهای جنبه جاه‌طلبی و زیاده‌روی نداشته است»

بدین ترتیب، نخست‌وزیر قراردادهای تسلیحاتی را به دو بخش تقسیم کرد: یکی آنها که جنبه «جاه‌طلبی» و «زیاده‌روی» داشته و دیگری بخشی که برای «بالا بردن سطح نظامی و دفاعی مملکت بوده است.»

بدینسان نخست‌وزیر «صلاح‌نویس» که از سیاست نظامیگری امپریالیسم امریکا، که بدست شاه خائن، بعنوان «اساس سیاست» رژیم اعمال میشد، سخنی بهمان آورد، ولی در عین حال اعتراف کرد که خرید این تسلیحات ۳۰۰ میلیون دلار ارزش دارد و بنظر ایشان «قراردادهای تسلیحاتی ابقاشده، پیش‌تر برای لوازم یدکی است، زیرا هواپیماها و تسلیحات مستمرا احتیاج به لوازم یدکی دارند...»

و همچنین برای نیروی هوایی قراردادهایی بسته شده که پول آنها هم تمام پرداخت شده (پیش پرداخت شده) و یا کارخانجات تسلیحاتی که ۷۵ تا ۸۵ درصد مخارج آنها پرداخت شده است.»

پس برای این تسلیحات، از جمله متلاچکننده‌های اف ۱۴، که صرفاً تسلیحاتی نه‌اجمی هستند و نه برای ارضاء «جاه‌طلبی» و نه برای بالا بردن سطح دفاعی مملکت، باید مستمرا قطعات یدکی دریافت داشت، البته بناچار همراه با ابقاء و بازگشت مجدد مستشاران و کارشناسان نظامی امریکائی، تا ۳۰۰ میلیون دلار اسلحه «بن‌بانه‌دان» ریخته نمود»

در اینجا، چه آقای نخست‌وزیر بخواهد و چه نخواهد، این سوال در برابر مردم قرار می‌گیرد که: پس سیاست نظامیگری باسکان داری مأموران پنتاگون در ایران باید ادامه یابد؛ و نیز یک سوال دیگر، چرا قرار داد دو جانبه نظامی، که قراردادی است سیاسی-نظامی و جنبه مالی ندارد، تا بابت به‌در رفتن پول آن، نخست‌وزیر را نگران سازد، لغو نمی‌شود و چرا اصولاً آقای بازرگان درباره این قرارداد، که استقلال سیاسی و نظامی ایران را با خشونت خاص سیاست امپریالیسم یا لکی نقض نموده، سخنی بهمان نماند آورد؟ شاید این قرارداد هم مستمرا احتیاج به قطعات یدکی دارد؟

پس در صفحه ۲

سیر و سرنوشت انقلاب مشروطیت
تحلیلی از انقلاب مشروطیت ایران و درسهایی که از آن می‌توان آموخت.

(دومین قسمت - صفحه ۶)

مهندس مهدی بازرگان، نخست‌وزیر دولت موقت، روز چهارشنبه دهم مردادماه، نطقی ایراد داشت بنایت جالب توجه. بخش مهمی از این نطق در توجیه ابقاء قرارداد تسلیحاتی بود و بخش مهم دیگر آن در ردیف کردن گروه‌هایی که «اردوگاه ضد انقلابی» را تشکیل میدهند. ولی نکته در مورد قراردادهای تسلیحاتی و نه در شمارش نیروهای ضدانقلابی، نام امپریالیسم امریکا بر زبان نخست‌وزیر نیامد!

در مورد ابقاء قراردادهای تسلیحاتی، نخست‌وزیر دولت موقت مدعی شده، «اصولاً بسیاری از این قراردادها اساساً ضد مملکت و خلاف نبوده، بلکه برای بالا بردن سطح فنی و اقتصادی و نظامی و دفاعی (۱) مملکت بوده است.»

پیمان همکاری منطقه‌ای برای عمران مگر شعبه‌ای از پیمان نظامی سنتی نیست؟

در مطبوعات گزارش‌های دربارہ بیست و ششمین کنفرانس سالانه کشتیرانی پیمان همکاری منطقه‌ای برای عمران (آر. سی. دی) که روز پنجشنبه ۴ مرداد در محل کشتیرانی آریا برگزار شده، انتشار یافت. در این کنفرانس نمایندگان ایران، پاکستان و ترکیه، که اعضای این پیمان هستند، شرکت داشتند.

چه در صفحه ۷

قانون اساسی ایران باید بازتاب انقلاب ضد امپریالیستی و دمکراتیک مردم ایران باشد

سیر و سرنوشت انقلاب مشروطیت و درس‌هایی که از آن میتوان آموخت (۲)

پرولتاریای انقلابی روسیه، یار و پشتیبان انقلابیون ایران

پایان حیات مجلیه، اول، دراز پیروزی شد انقلاب، آغاز یکدوره مبارزه مسلحانه بود که در تبریز و در زیر رهبری ستارخان، که خود پیرونده مکتب علی‌مسیودیگر هم‌زمان «مرکز قیامی» بود، آغاز گردید.

اگر محمدعلی میرزا و نیروهای ارتجاع سیاه ایران مورد حمایت شدید روسیه تزاری قرار داشتند، انقلاب تبریز، از برکت موقعیت تاریخی خود، با انقلابات پروولتری و مخصوصاً پارولناریای انقلابی روسیه تزاری پیوند می‌یافتند و بسا آن خویشاوندی سببی داشتند و بیلت همین خویشاوندی مورد حمایت مسادی و معنوی این انقلابیون زخم زده شدند. در واقع پادشاه انقلاب از همان سرزمینی رسیده که زهر میلتاریسم تزاری را بر پیکر انقلاب ایران پاشیده بود.

اگر سیاست تزاری روسیه، از همان آغاز انقلاب بزرگ فرانسه، در این مشارک‌ها مبدع بود، دفاع از حقوق پادشاه فرانسه، دفاع از حقوق همه پادشاهان است، در بیان این نظام اینک یک روسیه انقلابی بوجود آمده بود، که در قبال انقلاب ایران، در حقیقت منتقد بود، که «دفاع از حقایق انقلاب ایران، دفاع از حقایق همه انقلابات نجات‌بخش است».

این نژاد روسیه انقلابی، روسیه لنین و حزب بلشویک بود. آن‌گاه که اوضاع یک قیام مسلحانه آذربایجان را فرا گرفت، نیروهای روسیه و لنین، و نیز در پیونج تجربه‌های عینی و عملی روزانه، بدان حد آنگاه رسیده بودند که بدانند، نیروی کس در داخل، بشود حفظ امتیازات فرمانروایان عرصه سرمایه، بس کوب کردن آنها کربسته است، همانست که در خارج و در پیرواز مرزهای روسیه، ایران را در چنگال خود بهم می‌فشارد. لنین ضمن نامه خود به ماکسیم گورکی می‌نویسد:

«تا بهما با آنها (کارگران) می‌گوئیم چنین است، سرمایه‌داری شمارا می‌بلند. ایران و هر جای دیگر را خواهد بلعد و پایتختارادامه خواهد داد تا آن‌گاه که شما آنرا سرنگون کنید. اینست حقیقت... پناکوها می‌توانند بیرون در ایران راه‌آهن بسازند. بگذار آنها لیاخوهای خود را بان کشور بفرستند. وظیفه‌ی مارکسیست‌انست که سرمایه‌داری را در پیشگاه کارگران افشاء کنند. سرمایه‌شمارا خفه میکند. در برابر آن مقاومت کنید».

و چنین بود که آن‌سازمین قفقاز نه تنها خود ایران مقیم آن سامان، که سازمان سیاسی خود را بعنوان امت - اجتماع و عامیون - بوجود آورده بودند، بلکه تعداد بیشماری از اعضا حزب سوسیال دمکرات قفقاز و تفلیس، که در فوین چنگی آرموده بودند، بکمک انقلابیون آذربایجان شتافتند.

قیام مسلح مجاهدان آذربایجان انقلاب مشروطیت را در سیرنولی اشک و آنا را به محله انقلاب پورژوا دمکراتیک وارد ساخت. جنبه‌ی دمکراتیک آن را در نقاط وسیع دقتانان شمال و سازمان‌های کارگری که هسته‌های آن‌ها سازمان‌های مختلف شمال بوجود آمده بود، مشخص می‌شد.

این خصیصه توده‌ای، با اضافه‌ی رابطه نزدیک مجاهدان تبریز با سوسیال دمکراتیک لنینی روسیه دوسومی روحه حبستیگی بین این نهضت و آن انقلاب، نه تنها عرصه را بر محمدعلی میرزا تنگ کرد، بلکه بر پایه حکمت امریالیستی روسیه و بریتانیا سایه‌ی گسترده‌تری بر پایه گورگی بر ولدا مرستلر را بتلاش بسود و وقفی بر خا ترونی برای انزیمان برداشتن سازمان مجاهدان وارد ساخت.

حکمت تزاری در سندن مقابله مستقیم بسا مجاهدان برآمد، ولی در اینجا به بی‌بهره‌ی نتوانست، پیش‌ازاینکه زیر پهای خود را کنوارساند، بجزیره تزاری آذربایجان مواقت کند.

حواصت از نظری پدید بریتانیا شتافت. یاد آواز قیام و مقاومت قهرمانانه مجاهدان تبریز، در برخی نقاط دیگر ایران مردم را به جوش واداشت بود. در شمال زمینه قیامی بدست گروهی از مجاهدان، که از طرف سوسیال دمکراتی قفقاز پشتیبانی می‌شد، با شرکت من‌السلطان و براداش و هم‌خان و همچنین سیه‌دار، که از تبریز از جلوسرادر انقلابی رخنه و معصد شده بود که متمبند با ملت ستیزه کننده، بوجود آمدند.

در جنوب نیز تحریک انقلابی اصیل آغاز گردید که مرکز آن در تبریز بود. ولی بریتانیای کبیر، که با هر گونه تحریک اصیل‌حلی در قلمرو نفوذ خود بشدت مبارزه کرده بود، با وارد ساختن نیروی دنیایی و پیراهن‌آبی‌های خود، ایمن اقدام را راساً با سرعت تمام سرکوب کرد، اما در مقابل پیاری دوستان پشتیبانی خود در استان شتافت. در اینجا علی سران ایل، بس کردگی مصمام‌المطلنه، از یکطرف و محمد علی میرزا از سوی دیگر اختلافات شدیدی بروز کرده بود. در این هنگام سردار اسعد، برادر مصمام، ضو لئ فرمانسوری، که تازه از ادراسر ادوارگردی، و در خراج‌خانه انگلستان، بازگشته بود، به برادر پیوست و چنان صواب دیده شده که در زیر لوی مشروطیت علیه محمدعلی میرزا قیام کند.

با تمهید این مقدمات و در دنبال یک توطئه جهانی علیه همه نهضت‌های آسمانی - و نه فقط ایران - بریتانیای کبیر، که از دیرگاه روابط بسیار نزدیک با بنیادها برقرار کرده بود و اینک یکی از

در مرکز این توطئه قرار داشتند. کارگردانی این تزلزلی، که منجر به فاجعه‌ی باغ ایتابک و زخمی و زمین‌گیر شدن سردارگردید، بمعهده پیرخان واگذار شد. خصومت شدید او با تمام اندیشه‌های سوسیال دمکراتی، که سردار و مجاهدان تبریز انجمله مظاهر آن بودند، بحدی در او قوت داشت و آنچنان برده‌ای جلو چشمان او کشیده بود، که مجال تأمل در باره عواقب کار با نهمیداد. وی بدون توجه باینکه اقدام و عملش بسود کدام محافل و کدام قدرتهای اسارتگر خارجی تمام‌میشود، درصدد پایان دادن بکار سرداروسالار برآمد.

کسانی کوشیده‌اند که عمل پیرم را در مبارزه با مجاهدان اصیل آذربایجان منلول فریب‌خوردگی او بشمار آورند. فرضا ایدارعا قبول کنیم، باید بگوئیم که پیرم‌خان فریب‌خورده، زیرا روحاً و فکرآ آماده‌ی آن نژاد، و قزاق‌های تزاری، بدون بسا زکندن راه خواربار، بسوی تبریز سرازیر شدند و نیروهای مجاهد را بکلی در منگنه گذاشتند.

لنین می‌نویسد: «فعل عام نویسی بدست قسوی لیکالی خونخوار در انتظار انقلابیون ایران است. بدنهال لیاخوف غیر رسمی، اشغال رسمی آذربایجان صورت می‌گیرد... کوچکترین تردیدی نمیتوان داشت که آزادی عمل روسیه علیه انقلاب ایران جزئی است از متوسطه‌های ارتجاعی... این توطئه‌ای است مستتمها برای خفه کردن انقلاب آسها... امروز دریا لنگن، فردا در ایران و سرانجام در آسیای صغیر وغیره وغیره...» (۱)

چرا و چگونه انقلاب مشروطیت بشکست کشانده شد؟

بساط قدرت مطلقه محمدعلی میرزا بدست نیروهای انقلابی جنوب و شمال واژگون گردید. (با این توضیح که از سمت شمال، مجاهدین اصیل توده‌ای در فتح تهران راه داده نشدند) حاصل جمع همه اینها آنکه در تهران یک نیروی انقلابی مرکب از قوای شمال، که خودمیسوونی بود از نیروهای انقلابی و فوئدالی، و قوای جنوب مرکب از نیرو-های خاص غیره‌ای و ایلی پشتیبانی حکومت دولتی را در دست گرفت. سیه‌دار، در راس قوای شمالی، گرایش بسوی شاه مخلوع چشمی بسوی دولت تزاری داشت. قسوی عشایری جنوب، در زیر فرمان سردار اسعد، با لژ فرمانسوری بریتانیا بسوط واژگان راه با امپریالیزم بریتانیا وابسته بود. لسن فرمانسوری در تهران دست سردار اسعد را، در دست شاهزادگان خونخواری مانند میرالدوله، که یکسال تمام بر مردم آذربایجان بسادان مرگ بارانیده بود، شتاع‌السلطنه برادرشاه، ظل‌السلطنه عسوی شاه و چلادرمدم اسفهان و تزاراده‌ها و نوابها و مشیرالدوله‌ها و حکیمی‌ها و دیگر فرمانسورها گذاشت.

این ترکیب ناهمگون چون بقدرت رسیده، در صدد تصفیه حساب با «مخالفین مشروطه» برآمد. و منلول شده که تعداد این محال‌ترین، در تمام ایران، از نشن تن تجاوز نمی‌کرد، که نتوانست از آنها ازمره اشراق و کنکورمداران و ستن دیگر انزرم عادی بودند، یکی از این ستن آخر، آجودان باشی قزاق بود، که نژاد پیرست درخواب انجام وظیفه می‌کرد و مانند پتچین دیگر به پیشمرد آوزیان شد. در حالی که خود لیاخوف به همیلتش شورا رفت و همچنین کمر خود را با زکزد و در مقابل سردار اسعد گذاشت و سردار شمشیر را بسار دیگر بکش اوست و گفت، بر او ایرادی نیست او بسوظینه سرداری خود عمل کرده است؛ و این یکی از عمده‌ترین نقاط ضعف قیام مسلح بود که محمدعلی شاه را از کشور راند، و از خاصیت طبقاتی فاتحین تهران و دولتی‌های آنها بقدرتهای امریالیستی ناشی می‌شد. همین جهت است که پروفوسور ادوارد براون بر فرورما توده‌ای (فاتحین تهران) با شغف تمام درود می‌فرستد که هر دینش کنگره‌ها و چشم پوزی از گناه خرابکاران یا به اصطلاح کبیر تبهکاران، که با بکار بر نیرو و نفوذ خود شاهشوم را در سیاست ارتجاعی حمایت و تقویت نموده و در تباهی مشروطیت پافشاری می‌نمودند، اینک مصلحین را فرورما - توره‌ای ایران روش کریمانو بزرگ منشا نه‌تری از جوانان تزلزل که در انقلاب آن کشور در اوایل ۱۹۰۹ بمخالفین انقلاب نشان دادند در پیش گرفتند.

آری، برای آقای پروفوسور و دو قدرت امریالیستی این «روش کریمانه» بسیار مطلوب بود، زیرا با این غف و بخشایش، مادمه‌ی فساد بر جای ماندند و اینها، با اتفاق فرورما توره‌ای بخشایشگر، به شهرزدهای از هم گسخته‌ی رابطه با دو قدرت امریالیستی را بآرد یکی بر سر آرساختند.

و آنگاه نوبه‌ی تصفیه حساب با نیروهای مسلح مجاهدان آذربایجان فرارید که خارج چشم هم دو قدرت امریالیستی و دولت انقلابی ایران بودند. این سه نیرو و مشترکاً به هر حبله و دستان بسود، حتی با توسل به قوه‌ی قهریه، تحت ریاست پیرم‌خان و سردار باهد، بسر سردار اسعد، سرداروسالار را به تهران کشانند.

در مورد پیرم‌خان، ما باید با یکی از خصیصه‌های چالب قیام بس صفات و خصیصه‌های دوگونسروکار داریم. وی از یکسو فردی انقلابی بود، با استعداد و سرفار سازماندهی و در کارهای انقلابی خود قاطع و بی‌تزلزل.

از سوی دیگر عضویت حزب داشناکون، حزب بسروژواری بزرگ ارامنه را داشت و در همین حال وابسته به سازمان سوسیالیست های انقلابی روسیه (اس ان) بود. این وابستگی‌ها او را بمسائل فکری شدیدی نسبت بسوسیال دمکراتی روسیه نسبت به مجاهدان آذربایجان می‌آورد. که با این جنبه‌ی حبستیگی داشتند، می‌توانند نبود.

پس از انتقال سردار و سالار به تهران، توطئه مرگباری علیه آنها چیده شد که هدف اساسی آن، از بین بردن ستاد مسلح انقلاب بود. دستورات روسیه و بریتانیا، با اتفاق وزیر خارجه وقت، انگلیسی، صفحه ۳۳۳۳۳۳.

اخبار کارگری

پای درد دل کارگران نانوائی (لواش زمینی)

کارکنان نانوای بسا لهجه آذربایجانی، با کلامی که از خفونت سرشار است و گوئی درد چکن چون سالهاش را بیشتر میزند، در جواب پرسش ازوششان، لب بسخن می‌کشد، «ارباب ما این دکان را از صاحب سر قفلی، آن از قرار مای ۱۰۰۰۰ تومان اجاره کرده است. ارباب علاوه بر کرایه مغازه، حداقل هر ماه ۱۰۰۰۰ تومان هم بخود بهجه می‌زند.

کارگران نانوای هر روز از ساعت ۵ صبح تا ۹ شب کار می‌کنند (وقت صرف صبحانه و ناهار کلا یکساعت است). هر روز ۱۶ ساعت کار طاقتفرسا، هر هفته ۶ روز، جمعا ۹۶ ساعت کار دارند. حداقل مزد یک کارگر ۳۵۰ تومان در هفته (۳۵۰ تومان را به ۹۶ ساعت تقسیم کنید، تا میزان استعمار کارگر را بفهمید) و حداکثر مزد (سطل) هفته‌ای ۱۲۰۰ تومان است!

من اکثر کارگران نانوای از ۲۵ سال پائینتر است. در میان آنها کودکان ۱۰-۱۲ ساله هم چشم می‌خورند. اکثر آنها از دعوات مهاجرت کرده‌اند، تا نیروی کارشان را برای کلدان نیکت بارزندی خود و خانواده‌شان بفرستند و کارگر دیگر رفته کلام را بدست می‌گیرد، خشمی وحشی در جیره برافروخته‌اش شعله می‌کوزد.

در دکان نانوائی نه هوا کشنده است، نه شرایط مناسب کار، نه بهداشت، نه‌ای بیمه یا بنجا باز شده، نه قانون‌کاری وجود دارد، نه از سندن خیری هست، نه ساعت کار مشخصی هست، نه فصل رجوعی برای دادخواستی... کارگر کسری که ۱۲ سال بیشتر ندارد و بقل خودش از ۲ سال پیش شروع بکار کرده، جلومای بد، اشک در چشمانش خشکیده، چرا که وقتی درد از حد گذشت، دیگر نمیتوان به گریه درآمد. کینه‌ای بی‌پایان در اعماق وجودش نسبت به هر آنچه که مستکرها است، سم بس ز زمین می‌کوبد، تنش می‌لرزد.

بدنهان عرق‌چوش شده است. جوشهای قرمز رنگی تمام تنشان را میپوشاند. دکن گفته که مسری است. مجبوریم تحمل کنیم. اگر دکن بر رویم، نصف بیشتر دردمان را بساید خرج دوآوردمان کنیم».

از سواد و بی‌سواد، مرخصی سالانه و مزایای دیگری در نانوائی خبری نیست. این جملها را نشنتم تا یک نانوائی می‌شنود. در سستی نانوائی، که حضرت نشنتم نور آفتاب، از ۵ صبح تا ۹ شب بطور مستمر جان می‌کند، جوان کوتا فوئد نیروی مشغول کار است که آذربایجانی است و با لهجه شهرین آذربایجانی می‌گوید.

«حداکثر مدتی که یک نفر (در نانوائی) میتواند کار کند، بسزیر گماری ۴۸ درجه دکان نانوائی کسه حتی بیخمال نمیتواند کار کند و تشنگی مدار از روز کارمان درمآورد - ۲/۵ ماه است. بعد از ۲/۵ ماه، کارگر ناچار در مدت راهش می‌گردد، ولی نبود شرایط زندگی بهتری در دهات، فشار بیکاری و گرسنگی، او را دوباره بسوی شهر می‌راند، تا بار دیگر در کورده‌وزنان نانوائی حاضر شود و نقدهای نان بستان آرد. محل استراحت ما، بعد از ۱۶ ساعت کار توافرا، کنار توردافنی است که میپنید و یا پیاده‌ر جلودگان، لاجل و تشنگ ما اکثر آگونی آرد است و آن‌ها که وضشان خوی خلب باشد، دروا تامل می‌کنند، در خفا می‌خوبی بداست. نان‌نوشا، به نان و پنیر و نونفا، و ارگ خیلی و لئسری کنیم، ۳۰ ریال کوش شایر کرده می‌خریم و ستن می‌کنیم».

بدنهان اعلام دولت در مورد حداقل حقوق، با محاسباتی که از طرف نمایندگان کارگران صورت گرفت، قرار شد که مبلغ ۸۰۱۰ ریال به حقوق تمام کارگران اضافه شود. در همین مورد بسوی نمایندگان با وزارت کار نیز تماس گرفته شد و وزارت کار هم فوق را تأیید کرد. در نفسی که نمایندگان شرکت بسا مدیرعامل شرکت را داشتند، این مسئله مطرح شد و مدیر عامل شرکت نیز مبلغ فوق را قبول کرد، ولی گفت که در حال حاضر پول ندارد و کتیا تمهید می‌کند که مبلغ ۸۰۱۰ ریال به حقوق اضافه کند. نمایندگان شرکت در این مورد با وزارت کار و کمیته من‌کرزی امام خمینی تماس گرفته‌اند، ولی نتیجه فلامعلوم است و اوضاع اضافه سندن مستمری سردرگم و مبهم مانده و کارگران بشدت از وضع فعلی ناراضی هستند.

در کارخانه آجر ماشینی جامپاس واقع در باقر آباد ورامین

در این کارخانه قبل از انقلاب ۱۵۷ نفر کارگر مرد کسار می‌کرده‌اند که در جریان انقلاب، بمدت ۶ ماه، بدون حقوق و مزایا بیکار مانده‌اند.

حدود ۴ ماه قبل، کارفرما ۲۷ نفر از کارگران را بکار فرسا میخواند و دوباره تولید آجر شروع می‌شود. (۱۱۰ نفر بقیه کارگران با مبلغ ناچیزی اخراج شدند.) در تاریخ ۵۸/۵/۲ کارفرما به بهانه نداشتن پول برای تأمین مخارج کارخانه، تولید را متوقف می‌سازد و ۲۷ نفر کارگر باقی مانده را، نیز اخراج می‌کند.

بدنهال شکایت کارگران به اداره کار شهرستان ورامین، جلسه‌ای با حضور رئیس اداره کار، کارفرما و تنی چند از کارگران برگزار شد. کارفرما استدلال می‌کند که بسول می‌تواند کارگران را بکار بفرستد. کارگران می‌گویند، اگر پول ننداری کارخانه را به دولت واگذار کن، تا ما بیکار نشویم.

کارفرما می‌گوید، به این آسانی‌ها که می‌گویند من نمی‌توانم کارخانه‌ام را با بدولت بدهم. کارگران جواب دادند، چطور می‌توانی زن و بچه‌های ما را به این آسانی بکشی!

جلسه با شکست رفتن نتیجه‌ای پایمان یافت و بدنهال اصرار کارگران قرار شد که کارفرما، رئیس اداره کار ورامین و تنی چند از کارگران به وزارت کار برای تمین تکلیف مراجعه کنند. در پایان کارگران تصمیم گرفتند که اگر حشرفشان به جانی نرسد، همگی در وزارت کار متحصن شوند.

شرایط کار کارگران در شرکت نی نی تریکو

شرکت نی نی تریکو، در کرب آباد شهسوار، پیش از ۵۵ کارگر دارد، که ۳۵ تا ۴۰ نفر آنها زن هستند. حد متوسط دستمزد کارگران ماهانه فقط ۷۵۰ تومان است. دستمزد کارگران از حداقل ۳۵۰ تومان حداکثر ۱۰۰۰ تومان میرسد. در ساعات کار، در کارگاه را بسوی کارگران می‌بندند تا نمایندگان کارگری گسسته شود و درصدد خوردن چیزی بر آید و در نتیجه چند دقیقه از وقت کار تلف شود همیشه چند روز قبل از پرداخت حقوق، نسبت بکارگران سختگیری بیشتری می‌شود تا بتوانند به بهانه‌های میلی کارگران را جریمه کنند. کارفرمایان شرکت با کارگران، و بویژه با زنان کارگر، رفتار خشن دارند و بی‌آنان دشمنانند.

از ادوات و عهده‌ی در این کارخانه خبری نیست و هم‌اکنون یکگاه حقوق کارگران را بد پرداخت نکرده‌اند. سروس ایاب و ذهاب برای همه کارگران نیست و باید بطور متوسط هر ماه ۶۰۰ تومان بابت رفت و آمد بپردازند. در این کارخانه کاموهای دم قهچری را با جای گران‌کیلوئی ۲۵ ریال بکارگران می‌فروشد. کارفرمایان همیشه تعدادی خیرچین‌همان کارگران را دارند، تا اگر کارگری از اوضاع خود ابراز عدم رضایت کرد، او را فوراً اخراج کنند.

اعتصاب دوساعته رانندگان تاکسی در شیراز

روزی پنجشنبه ۱۳۵۸/۵/۴، رانندگان تاکسی در شیراز، بمدت ۲ ساعت دست از کار کشیدند، با پارک کردن تاکسیهای خود، و اند استانه‌داری فارس شدند. خواسته‌های رانندگان عبارت بود از: - جلوگیری از کار اومبیل‌های شخصی که مسافر کشی می‌کنند، - کم‌بای و گرانی لوازم یدکی، اعراض از لئسک، لنت ترمز، دیسک وغیره، - سازمان پول بزمین‌داهتوبه تا کسی‌های شیراز ننداده‌اند، و چون کس‌ها نندارند، بزین راه نرغ کاران می‌خند، - انحلال شرکت تعاونی که هنوز به شکل دوران پهلوی مانده و رئیس آن یکی از فرورشدگان تاکسی است و تا بحال هیچ‌گام مثبتی برای رانندگان بر ننداشته است.

در پایان یکی از رانندگان از نوم شکایت کرد و شورا را مطرح کرد و گفت که تنها از طریق ایجاد سندیکا می‌توانیم بیمه و حقوق از کار افتادگی و تمام مسائل مربوط به خودمان را انجام دهیم. رانندگان دیگری نیز در باره لزوم تشکیل سندیکا صحبت کردند. یکی از آنها گفت، درست است که ما باید سندیکای داشته باشیم، ولی تا بحال هیچ‌گونه ترتیب اثری بسایه خواسته‌های ما ننداده‌اند.

سپس دمس پلیس شیراز برای رانندگان صحبت کرد، او گفت، من تمهید می‌کنم که بتمام واحدهای راهنمایی و پلیس ابلاغ کنیم که مانع از مسافر کشی رانندگان اومبیل‌های شخصی شوند. در مورد خواسته‌های دیگر نیز به تهران اطلاع میدهم تا هر چه زودتر به آنها رسیدگی کنند.

رانندگان که از اتحاد خود و نتیجه کارشان خوشحال بودند، با گلشن درود بر خیمینی، استانه‌داری را نرنگ کردند.

کلاسهای مبارز و سیاسیوادی سندیکای مستقل کارگران درودگر هیئت مدیره سندیکای کارگران درودگر تهران، طی تصویبنامه‌ی عمومی، شده است. در ضمن از نام کارگران عضو، دعوت شده است که برای کلاسهای مبارزه با بسوادگری بفرمایند و هم‌اکنون در کارخانه گازر، همکاری کارگران و نمایندگان سندیکای کارگران و نمایندگان سندیکای کارگران درودگر تهران، در ضمن از نام کارگران عضو، دعوت شده است که برای کلاسهای مبارزه با بسوادگری بفرمایند و هم‌اکنون در کارخانه گازر، همکاری کارگران و نمایندگان سندیکای کارگران درودگر تهران، در ضمن از نام کارگران عضو، دعوت شده است.

با نیرونگ از کارگران امضاء گرفتند

دیگر کارفرمایان هم‌بایه، خواستار سندیکای کارگران درودگر تهران، کارخانه میل کارنیک واقع در امیران، تا از بسنه شدن کارخانه می‌جهد، با خنده و مسخره و نرنگ از کارگران امضاء منضری گرفته و مزایای آنها را نصف پرداخت نموده و درصدد است کارخانه را تعلیل کند. سندیکای کارگران درودگری تهران، ضمن اعتراض به این عمل خودسرانه کارنیک و پیچیده‌ای قراردادند.

خواسته‌های کارگران کارخانه آرد مسلمی کردکوی

- ۱- استخدام رسمی کارگران و تشکیل پرونده رسمی،
- ۲- تقلیل ساعات کار،
- ۳- پایان دادن به استعمار شدید و بالابردن حقوق،
- ۴- بازگشت کارگران اخراجی بکار،
- ۵- استفاده از مزایای بیمه درمانی،
- ۶- برخورداری از کمک بیمه اولاد،
- ۷- استفاده از اضافه‌کاری،
- ۸- استفاده از مرخصی سالانه.

اعتصاب پیروزمند کارگران در کارخانه ارج

کارگران کس متوازا‌های این شرکت، که تاکنون بسایر کارگران انمورد استعمار کارفرما بوده و همیشه حداقل دستمزد را در شرکت دریافت می‌کرده‌اند، در تاریخ ۵۸/۵/۱، بعنوان اعتراض بامور سردرگمی به این شکایت‌شد، ضمناً در جمع مردم، عهده‌ای از روستا برای هیئت‌های سازنده‌ای جهت رفع بنیادی مشکل کسار انفرشی در روستا دادند، «ایجاد فرسگاه تعاونی روستایی در ده».

این شعار مورد استقبال تمام اهالی روستا و شورای ده قرار گرفت. سپس پیرامون نحوه انجام این کار گفتگوهای مفصلی بعمل آمد و توضیح داده شد که، ما با این عمل قصد در شکست کردن مغازه داران را ننداریم، بلکه می‌خواهیم جلوی فصلی مصنوعی گرفته شود تا ضد انقلاب فرصتی برای تبلیغ علیه جمهوری اسلامی ما در میان اهالی این روستا پیدا نکند.

پس از گفتگو، این پیشنهاد بصوب شورا‌ی ده، یعنی تنها مرجع قانونی ده رسید و قرار شد هر چه زودتر برای شرکت تعاونی با همکاری روستائیان اقدام شود.

پیروزی کارگران کارخانه آزمایش

سندیکای کارگران کارخانه آزمایش در مورد خواسته‌های کارگران با مدیریت شرکت به توافق رسیدند، ۱- پرداخت مبلغ ۹۸۱۰ ریال اضافه دستمزد ماهانه به هر یک از کارکنان،

۲- افزایش حق خواروبار و مسکن از مبلغ ۳۲۰۰ ریال به ۵۳۰۰ ریال ماهانه،

۳- کاهش ساعت کار روزانه بمدت یک ساعت،

۴- برکساری سرپرستان ضد کارگر از سمت سرپرستی.

بیانیه حزب کمونیست عراق در باره وضع کنونی عراق

پیش از یک سال است که اوضاع عراق با سرعت رو به آشفتنگی می‌رود. افکار عمومی جهان خبر اقدام (۳۹) نفر کمونیست و دمکرات انقلابی، از نظامی و غیر نظامی‌ها، در ماه مه ۱۹۷۸ با تکرار فراوان دریافت با دو وزیر در کابینه دولت مرکزی شرکت داشت که یکی از آنها بنیان‌گذار جبهه ملی بود.

از سال ۱۹۷۷ حمله به کمونیستها و قلع و قمع آنها تشدید شد. آنها در دوستان نشان - دمکرات‌های انقلابی - را دستگیر می‌کردند، در سلول‌های سازمان امنیت در معرض شکنجه‌های وحشیانه قرار می‌دادند، به منظور اینکه اجباراً به اعتقادات سیاسی خود پشت پا بزنند و تهدید به پاره شدن جناح از طریق حزب بمت حاکم و سازمان‌های بمت تسلط آن هیچگونه فعالیت سیاسی نداشته باشند. از این تهاجم بمتی کردن اجباری، حتی دانشجویان عربی که در دانشگاه‌های عراق مشغول تحصیل بودند، زهای بی‌گناه بودند. این حمله پلیس کماکان ادامه دارد و حمله تبلیغاتی نیز بدان اضافه شده است. حمله دستگاه بزرگ تبلیغاتی رسمی، که تحت تسلط بمت قرار دارد، متوجه حزب کمونیست عراق و احزاب کمونیست کشورهای عربی و جنبش‌های کمونیستی و جبهه پایادری، بویژه سازمان آزادیبخش فلسطین و سوریه است، آنهم در حالیکه این جبهه سرگرم مبارزه علیه توطئه کمپ‌دیوید است.

حمله بر کمونیستها و قلع و قمع آنها در سال گذشته، پس از انتشار گزارشی کمیته مرکزی حزب کمونیست عراق، مصوب پلنوم دوم ماه مارس ۱۹۷۸، شدت بیشتری یافت. این گزارش با احساس مسئولیت و علاقه نسبت به منافع مردم و وحدت میهن و سرنوشت ملت عرب، سیاست زورست حزب حاکم را افشا کرد. حزب کمونیست عراق، که به بشافه یک حزب سیاسی مستقل، نسبت بخاطر سیاست بمت در مقامات داخلی و عربی و بین‌المللی هنداراده، جزایغای وظیفه خود کاری نکرده است.

پس از واندزهای صمیمانه حزب کمونیست عراق با تشدید ترور و اختناق و گسترش شکنجه‌های دولتی و سازمان‌های اجتماعی و فرهنگی و آموزشی دست‌انگشت‌ها را بر سر برداشت. استخدام افراد غیربومی در سازمان‌های وزارتخانه‌های دفاع، نیروها، خارجه، آموزش و پرورش، فرهنگ و در سازمان‌های تبلیغاتی و کشورهای مسلح و پلیس ممنوع گردید، ورود در دست‌نگاه‌های تکراری و شوراهای کشاورزی و تعاونیها و اتحادیه‌های زنان و دانشجویان و جوانان برای غیربومی‌ها ممنوع شد. هم‌زمان با این جریان‌های توطئه‌آمیز که بوجهی در اختیار سازمان‌های نظیر ممنوع گردید و هر کسی برخلاف آن رفتار کند به حبس ابد یا اعمال‌شافه محکوم می‌شود. علاوه بر این، فشارها و تهدیدها، فریب و رشوه‌دادن امتیازها نیز بیکر بسته شد. ورود غیربومی‌ها به دانشگاه‌ها و آموزشگاه‌های نظامی و پلیسی و هنرهای زیبا و آموزش و پرورش ممنوع شد. در سال تحصیلی جاری هزاران دانشجو از تعلیم محروم ماندند و عمل فحیح بمتی کردن رشته‌های آموزش و پرورش بصورتی انجام گرفت که کل آن هزاران نفر از آموزگاران و اساتید هم‌خود را در این کار مقدس سیری کرده بودند، از کار اخراج شدند.

رژیم بمت در عراق قوانینی را تصویب رسانده است که در هیچ کشور دیگری نظیر آن وجود ندارد. مجازات‌های فراوان اعدام بر می‌آید اتهامات سیاسی عجیب و غریب و ستمی یافته که خشوع تنفر افکار عمومی جهان را برانگیخته است. انجمنه، - حکم اعدام علیه هر کسی که به عضویت حزب بمت در نیاید و هویت سیاسی سابق خود را مخفی دارد.

حکم اعدام برای هر کسی که از حزب بمت استعفا دهد و یا اخراج شود و به عضویت حزب سیاسی دیگر با سازمان در عراق بماند، همراه با صدها واقعت اجتماعی که زندگی روزمره آنرا بسروشنی نشان میدهد. یک واقعت قابل توجه هر روز بر این می‌شود، گروه‌های مائوئیستی به باندهای خرابکار تبدیل می‌شوند.

در هر دوستان نشان - دمکرات‌های انقلابی - را دستگیر می‌کردند، در سلول‌های سازمان امنیت در معرض شکنجه‌های وحشیانه قرار می‌دادند، به منظور اینکه اجباراً به اعتقادات سیاسی خود پشت پا بزنند و تهدید به پاره شدن جناح از طریق حزب بمت حاکم و سازمان‌های بمت تسلط آن هیچگونه فعالیت سیاسی نداشته باشند. از این تهاجم بمتی کردن اجباری، حتی دانشجویان عربی که در دانشگاه‌های عراق مشغول تحصیل بودند، زهای بی‌گناه بودند. این حمله پلیس کماکان ادامه دارد و حمله تبلیغاتی نیز بدان اضافه شده است. حمله دستگاه بزرگ تبلیغاتی رسمی، که تحت تسلط بمت قرار دارد، متوجه حزب کمونیست عراق و احزاب کمونیست کشورهای عربی و جنبش‌های کمونیستی و جبهه پایادری، بویژه سازمان آزادیبخش فلسطین و سوریه است، آنهم در حالیکه این جبهه سرگرم مبارزه علیه توطئه کمپ‌دیوید است.

گروه‌های مائوئیستی به باندهای خرابکار تبدیل می‌شوند

در هر دوستان نشان - دمکرات‌های انقلابی - را دستگیر می‌کردند، در سلول‌های سازمان امنیت در معرض شکنجه‌های وحشیانه قرار می‌دادند، به منظور اینکه اجباراً به اعتقادات سیاسی خود پشت پا بزنند و تهدید به پاره شدن جناح از طریق حزب بمت حاکم و سازمان‌های بمت تسلط آن هیچگونه فعالیت سیاسی نداشته باشند. از این تهاجم بمتی کردن اجباری، حتی دانشجویان عربی که در دانشگاه‌های عراق مشغول تحصیل بودند، زهای بی‌گناه بودند. این حمله پلیس کماکان ادامه دارد و حمله تبلیغاتی نیز بدان اضافه شده است. حمله دستگاه بزرگ تبلیغاتی رسمی، که تحت تسلط بمت قرار دارد، متوجه حزب کمونیست عراق و احزاب کمونیست کشورهای عربی و جنبش‌های کمونیستی و جبهه پایادری، بویژه سازمان آزادیبخش فلسطین و سوریه است، آنهم در حالیکه این جبهه سرگرم مبارزه علیه توطئه کمپ‌دیوید است.

سه پیکر، سه سرد، سه مبارز

زمین چمن‌دانشگاه، عصر روز ۱۰ مرداد، ساعت شش بعد از ظهر، همانند بامی نمود پوشیده از گل‌های رنگارنگ، جوانان سرشار از زندگی، دختر و پسر، زن و مسرد، سالخورده‌گانی که از آوازش شعله‌ور شده بود، با شور و شوق آمده بودند که گوش بسنجانان حزب نواده ایران بدهند، با آنها آشنا شوند و هاستی خود را با همه آن کسانی که در این راه هستند، اعلام بدارند.

زنجیر مأمورین انتظامات، که بازر در بازو انداخته بودند، حلقه بزرگ‌ریا دورادار این زمین بوجود آورده بود با حرکتش مانند موج آرامی می‌نمود، که در ساحل دریا می‌خورد، عقب می‌رود و باز می‌گردد و حرکت بی‌وقفه و همبستگی زندگی را مجسم می‌کند. دیواری بود برای پاسداری دیگران جوانی وزبانی، رنگ‌های تندرورخشان، گلستانی از این زمین ساخته بود. شادی در هر گوشه‌ای می‌چرخید و در همه جا موج میزد. زندگی در جلدی چشم همگان گسترده شده بود، اما، اما متوجع، یگانه اما رنگارنگ، همه، خوردند و آرام، گوش به فریاد آن کسانی داشتند که میخواستند این زمین را از آلوده سازند، این یگانگی را از هم بگسلند و این شادی را از آنها بزدند، صدای اخلاک‌گرا را خاموش می‌کردند. شمارهایی که از دهان آنها نگرانی می‌پروند، می‌چیدند، مانند موج بزرگ و نیرومندی بود که بر ساحل می‌کوبید و سرودهای سنگ بزرگ‌ها را در خروش خود می‌دیدند. اینها همه نگران بودند، نه برای خود، بلکه برای آن چند نفری که آمده بودند تا سخن بگویند، تا ندای حزب را با آنها برسانند. زنجیر زنده و توانای تروچان این جوانان حساری بود برای پاسداری از نمایندگان حزب، از فرستادگان حزب و این نمایندگان، دلگرم و امیدوار روی سکو بودند، چشمانی بسیار پروری آنها دوخته شده بود و دستان زیادی آنها در حلقه‌های مضمطم گرفته بود. روی سکو بودند و از این چمن رنگین و این منظره جان‌افزا، رنگ ساهای دراز زندان و شکنجه و تبعید و مهاجرت دراز یاد می‌بردند و خروش و شور دهها هزار نفر هر می بود بر زنده‌ای دل جانستان. سه پیکر، سه سرد، سه مبارز، سه توده‌ای روی این سکو ایستاده بودند.

موی سر دیگر سپید شده، چین و آذنگ بر چهره آنها شیار انداخته، اما همچون سرو، با قامتی راست ایستاده بودند، آرام و بزرگوار، متین و باوقار. مشه نمی‌زدند، ایستاده بودند، سینه‌هایی بودند که ۲۵ سال زندان و سیاه‌چال حتی برای آنها را تکل ندهاده بود. یک‌گاهی بسودن از فولاد ریخته شده، که ۲۵ سال شکنجه و نرسد اراده آنها، در ایستادگی و ایمان نشان، کوچک‌ترین خنده وجود نیاورده بود. که همه عمر بودند.

صدای تیر بلند شد! این سه سحیح چشم برنگزاندند. طوری آرام و استوار، چشم و گوش به جمعیت نشسته بود. بزرگ جوانی کله‌دلو بدست، با یک خیز خود را جلوی اورسا نندرزواند. از خود گذشته، خود را فراموش کرده بود، طوری را می‌یابند. آن سه ایستاده بودند. از خود تکیه نداشتند. شاید تک‌گمانانی تیروری دیگران نیز بود. شاید قدرا راست تیر کردن و گردن را برافراشته. سه پیکر، سه سرد، سه مبارز، سه توده‌ای، سه جری، دو اقدرا!

هر سه شانه‌ها به هم ایستاده بودند، در برابر خلق خود، حزب خود، آرمان خود، آماده برای هر نبردی، آماده برای هر پاسداری، آماده برای جان‌فشان!

سرس باز بودند فروزون. سه انسان بودند که شرافت را پاسداری کرده بودند. سه رفیق بودند که با پاسردی و دفاکتری حزب خود را بزرگ نگاه داشته نگاه میدارند. رنگ سفید مسوی سر آنها می‌درخشید. واژ پشت درختها و دیوارها، از راه دور، خیلی دور، براف روی مداوند میدرخشید.

دیگر دست بر دامان امپریالیسم افشاره فرام می‌کنند. باندهای خرابکار مائوئیست خلیفه راحت همکاران خود، یعنی ساواکی‌ها را هم پیدا کرده‌اند و با آنها به وحدت عمل رسیده‌اند. هر جا گروه‌های مترقی هستند، این باندهای خرابکار هم حضور دارند. برای مثال، در جریان راهپیمایی بسیاری آزادی سادی، رهبری باندی را که با قبه و جاقوه را راهپیمایان حمله کردند، مائوئیست‌ها بویژه سازمان باسلاح انقلابی عهددار بودند. در حمله بدوین حزب توده ایران در رشت، بناظر که در مردم‌خواندید، مائوئیست‌ها محرک افراد مدتم بودند. در همدان، مائوئیست‌ها رهبری حمله به کتا بفروش حزب توده ایران را از چنگ ساواکی‌ها بیرون آوردند. در راهپیمایی محکوم کردن آمریکا توسط چریک‌های فدایی خلق، مائوئیست‌ها به منی‌بوس و به سفوف آسان پوش بردند. و بالاخره در راهپیمایی ۳۰ تیر، مائوئیست‌ها، با حمله فاشیستی و منی‌بوس حامل افراد حزب توده ایران، ۳ نفر را می‌روج کردند. در همه این بورشها، مائوئیست‌ها همیشه دور بین تکلیف‌داران متوجه خود دیده‌اند، با وحشت چهره پنهان کرده‌اند. آخر آنان می‌ترسند ششایی شوند، غافل‌ا از اینکه برای مردم ما بنویسند شناخته شده‌اند و با همه این تلاش‌ها هیچ سروشی جز شکست و ورشکست کامل نخواهند داشت.

نیکار آگوئه، بسوی اصلاحات واقعی



بازداشت جمعی در عراق

به گزارش خبرگزاری فرانسه، حکومت انقلابی نیکار آگوئه، که شدیداً دست‌اندرکار مبارزه با بقایای رژیم سوموزا و وابستگان امپریالیسم امریکاست، اراضی متعلق به سوموزا و دیگر مقام‌های جنا پناهنده رژیم نخستین گام در جهت اصلاحات ارضی واقعی و خلقی تلقی شده است. خانواده سوموزا، با حمایت انصارات امریکایی، بوشتر زمین‌های مزروعی نیکار آگوئه را تصب کرده بودند. دولت انقلابی همچنین وعده داده است که آزادی کامل مطبوعات رعایت خواهد شد، اما این آزادی در خدمت بازسازی کشور خواهد بود. از سوی دیگر گزارش میرسد که دو تن از مزدوران سوموزا در جریسان حمله به یک قرارگاه ساندی‌نیست‌ها کشته شده‌اند، و این حادثه نشان می‌دهد که ضدانقلاب می‌خواهد در راه انقلاب مردم خرابکاری کند.

افغانستان و توطئه امپریالیسم

خبرگزاری آاس، به نقل از یک مقام وزارت کشور افغانستان، گزارش می‌دهد که دسته‌های ضدانقلابی در دوازده ایالت کشور در کما هم ویران کرده و زنیان را کشته‌اند. دسته‌های مسلح از پاکستان به افغانستان نفوذ می‌کنند. به گفته این مقام، سلاهای ساخت امریکا، چین و پاکستان از این دسته‌ها به غنیمت گرفته شده است. این مقام اضافه کرده که کشورهای امپریالیستی، چین و پروادهای از محافل پاکستان کمک مالی در اختیار ضدانقلابیون قرار می‌دهند و رژیم سادات نیز در این فعالیتها دست دارد. مقام افغانی گفت: بزیر هادار مردم افغانستان و پایان یافتن بهره‌کشی و استعمار و کشتن مسیر استقلال اقتصادی و سیاسی باب‌طبیع ارتجاع و امپریالیسم نیست.

جنگ روانی آمریکا در خاورمیانه

تحریکات و تهدیدهای امپریالیسم آمریکا در خلیج فارس همچنان مودبیت محافل دنیای عرب است. خلیج فارس و شبه‌جزیره عربستان بمنزله «کلیمپنه نفتی» انصارات غرب است که می‌خواهند باتمام قوا از آن غارت کنند. دولت‌های عربی در خاورمیانه در ارتباط با این تحریکات، هفته‌نامه الکفاح العربی، چاپ بیروت، می‌نویسد که آمریکا با تهدید به جنگ نفت، یک کم‌خردروانی را آغاز کرده که هدف آن آماده کردن زمینه برای مداخله نظامی در خلیج فارس است. واشنگتن از جمله می‌خواهد برای توجیه اقدامات تحریک‌آمیز خود، تشیع را افزایش دهد و مصرف کنندگان را از کشورهای نفت‌خیز برساند، و واشنگتن درباره حمله افراطیون نیز سروردا راه می‌اندازد.

پشتیبانی و حمایت پاکستان، چین و امپریالیسم آمریکا از نیروهای ضدانقلاب در افغانستان روز بروز با واقعات تازه‌ای افشاء و آشکرات می‌گردد. گروه‌های خرابکار تروچیستی، به سرکردگی فودال‌های افغانی، که در نتیجه پیروزی انقلاب مموکرانیک در این کشور موضوع سیاسی و اقتصادی خود را از دست داده‌اند، با کمک و حمایت پاکستان و چین ر عاملین وایرس و جاسوسی امریکا می‌کشند با شیوه‌های تروچیستی و خرابکاری، نهادهای انقلابی نظام دموکرانیک خلقی در جمهوری دموکرانیک افغانستان را متزلزل سازند.

طبق اعلامیه رسمی ارگان‌های امنیتی جمهوری دموکرانیک افغانستان، اخیراً در زندی یک کابل‌انبار اسلحه و مهمات و نشریات تبلیغاتی علیه دولت انقلابی حمایت از مسلمانان، برداشته‌اند؟ واقعت اینست که، طبق اعتراضات عناصر ضد این عناصر و گروه‌ها، به سرکردگی فودال‌ها و متجمعین طایفه‌نجه، در تاجیک و مواد منفرجه ساخت امریکا و چین و پاکستان بدست آمد. در اطلاعیه خاطر نشان شده است که این سلاح و مهمات تیرمی‌خورد از ذخایر اسلحه و مهمات ساخته کشور نامیده است که تاکنون در جریان درگیری نیروهای نظامی با گروه‌های خرابکار ضد انقلاب بدست آمده و یا در نقاط مختلف کشور کشف شده است. در ضمن، نشریات تبلیغاتی علیه جمهوری دموکرانیک افغانستان، با هماهنگی طرف‌فداری از حرکت افغانستان علیه استعمار و استعمار، علیه فودال‌ها و زمین‌خواران و بفتح کارگران و دهقانان و قوهای زحمتکش این کشور، که عموماً مسلمان هستند و به قرن آمنتقدند، انجام گرفته و نیروی محرک و عامل پیروزی آن همین توده‌های زحمتکش مسلمان بوده و هستند. از جانب دیگر تجارب سراسر تاریخ‌ها را با نگر

رمانی بخش ملی عمل می‌کنند، در افغانستان مدافع اسلام شده‌اند؟ امپریالیسم امریکا و دهرمی پکن تا آخرین دقیق از رژیم دیکتاتوری ضد خلقی و مغفورشاه متخلوع در برابر جنبش انقلابی مردم مهمان در راه استقلال جمهوری اسلامی پشتیبانی می‌کردند. امروز هم که انقلاب مردم ایران پیروز گردید، تمامیه‌ها با کمک و حمایت پاکستان و چین ر عاملین وایرس و جاسوسی امریکا می‌کشند با شیوه‌های تروچیستی و خرابکاری، نهادهای انقلابی نظام دموکرانیک خلقی در جمهوری دموکرانیک افغانستان را متزلزل سازند. طبق اعلامیه رسمی ارگان‌های امنیتی جمهوری دموکرانیک افغانستان، اخیراً در زندی یک کابل‌انبار اسلحه و مهمات و نشریات تبلیغاتی علیه دولت انقلابی حمایت از مسلمانان، برداشته‌اند؟ واقعت اینست که، طبق اعتراضات عناصر ضد این عناصر و گروه‌ها، به سرکردگی فودال‌ها و متجمعین طایفه‌نجه، در تاجیک و مواد منفرجه ساخت امریکا و چین و پاکستان بدست آمد. در اطلاعیه خاطر نشان شده است که این سلاح و مهمات تیرمی‌خورد از ذخایر اسلحه و مهمات ساخته کشور نامیده است که تاکنون در جریان درگیری نیروهای نظامی با گروه‌های خرابکار ضد انقلاب بدست آمده و یا در نقاط مختلف کشور کشف شده است. در ضمن، نشریات تبلیغاتی علیه جمهوری دموکرانیک افغانستان، با هماهنگی طرف‌فداری از حرکت افغانستان علیه استعمار و استعمار، علیه فودال‌ها و زمین‌خواران و بفتح کارگران و دهقانان و قوهای زحمتکش این کشور، که عموماً مسلمان هستند و به قرن آمنتقدند، انجام گرفته و نیروی محرک و عامل پیروزی آن همین توده‌های زحمتکش مسلمان بوده و هستند. از جانب دیگر تجارب سراسر تاریخ‌ها را با نگر

رمانی بخش ملی عمل می‌کنند، در افغانستان مدافع اسلام شده‌اند؟ امپریالیسم امریکا و دهرمی پکن تا آخرین دقیق از رژیم دیکتاتوری ضد خلقی و مغفورشاه متخلوع در برابر جنبش انقلابی مردم مهمان در راه استقلال جمهوری اسلامی پشتیبانی می‌کردند. امروز هم که انقلاب مردم ایران پیروز گردید، تمامیه‌ها با کمک و حمایت پاکستان و چین ر عاملین وایرس و جاسوسی امریکا می‌کشند با شیوه‌های تروچیستی و خرابکاری، نهادهای انقلابی نظام دموکرانیک خلقی در جمهوری دموکرانیک افغانستان را متزلزل سازند.

پیمان همکاری منطقه‌ای برای عمران، مگر شعبه‌ای از پیمان نظامی سنتو نیست؟

بقیه از صفحه ۱ پیمان همکاری منطقه‌ای برای عمران، در بهار سال ۱۳۴۳، با توصیه امپریالیسم آمریکا، در ارتباط با پیمان سنتو تشکیل گردید و در دوران کابینه منصور عضویت ایران در این پیمان به تصویب رسید. این پیمان از همان سال به کشور عضو پیمان نظامی سنتو، یعنی ایران، ترکیه و پاکستان تشکیل شد، و چنانکه از نام آن بر می‌آید، گویا به منظور همکاری‌های منطقه‌ای برای عمران امپریالیستی این پیمان از تشکیل آن هدف کلاما دیگری را دنبال می‌کردند.

روزنامه برادرا نوشت که محافل حاکمه چین تلاش دارند از گفتگوهای چین و جمهوری سوسیالیستی ویتنام بعنوان برده دودی برای سواست توسعه ملیانه، برتری‌جویانه خود در مقابل ویتنام استفاده کنند و تشیع را در جنوب شرقی آنها افزایش دهند. از جانب امپریالیسم آمریکا، دولت‌های چین را در مذاکرات و کارشکنانه، خوانند و نوشت که پکن محیط مذاکرات را مسوم کرده، با پیشنهادهای اصولی ویتنام برای عادی کردن روابط، مخالفت می‌کند. چنین دست بحریکات مسلحانه در مرز زنده می‌خواهد «در تازاری» به «ویتنام» بدهد.

دولت نجریه اعلام کرده که سهام شرکت غارتگر «بریتیش پترولیوم» را ملی کرده است. این شرکت حدود نیمی از نفت نجریه را تولید می‌کند: دولت نجریه به خاطر سهمی دولت محافظه کار لندن در مورد حمایت از رژیم بوشالی اسف همپروت و فروش نفت به افریقای جنوبی، تصمیم گرفت که سهام بریتیش پترولیوم را ملی کند. پیمان سنتو لندن چند دیگر کشورهای افریقای را نیز برانگیخته است. لندن با همدستی واشنگتن تلاش می‌کند که نوعی ششامی بین المللی برای رژیم موزوروا، که باقیام مهمان پرستان روزبیا روپرو است، دست و پا کند و نفت مورد نیاز رژیم ژاپر دست بر ترویا را تأمین کند.

پیمان همکاری منطقه‌ای برای عمران، در بهار سال ۱۳۴۳، با توصیه امپریالیسم آمریکا، در ارتباط با پیمان سنتو تشکیل گردید و در دوران کابینه منصور عضویت ایران در این پیمان به تصویب رسید. این پیمان از همان سال به کشور عضو پیمان نظامی سنتو، یعنی ایران، ترکیه و پاکستان تشکیل شد، و چنانکه از نام آن بر می‌آید، گویا به منظور همکاری‌های منطقه‌ای برای عمران امپریالیستی این پیمان از تشکیل آن هدف کلاما دیگری را دنبال می‌کردند.

روزنامه برادرا نوشت که محافل حاکمه چین تلاش دارند از گفتگوهای چین و جمهوری سوسیالیستی ویتنام بعنوان برده دودی برای سواست توسعه ملیانه، برتری‌جویانه خود در مقابل ویتنام استفاده کنند و تشیع را در جنوب شرقی آنها افزایش دهند. از جانب امپریالیسم آمریکا، دولت‌های چین را در مذاکرات و کارشکنانه، خوانند و نوشت که پکن محیط مذاکرات را مسوم کرده، با پیشنهادهای اصولی ویتنام برای عادی کردن روابط، مخالفت می‌کند. چنین دست بحریکات مسلحانه در مرز زنده می‌خواهد «در تازاری» به «ویتنام» بدهد.

دولت نجریه اعلام کرده که سهام شرکت غارتگر «بریتیش پترولیوم» را ملی کرده است. این شرکت حدود نیمی از نفت نجریه را تولید می‌کند: دولت نجریه به خاطر سهمی دولت محافظه کار لندن در مورد حمایت از رژیم بوشالی اسف همپروت و فروش نفت به افریقای جنوبی، تصمیم گرفت که سهام بریتیش پترولیوم را ملی کند. پیمان سنتو لندن چند دیگر کشورهای افریقای را نیز برانگیخته است. لندن با همدستی واشنگتن تلاش می‌کند که نوعی ششامی بین المللی برای رژیم موزوروا، که باقیام مهمان پرستان روزبیا روپرو است، دست و پا کند و نفت مورد نیاز رژیم ژاپر دست بر ترویا را تأمین کند.

همسفر خلق

من از تبار زحمت انسانم
 فرزندی رفیع و زاده عساکرم
 روح سترگه زندگی و پیکار
 خون طویش، به هر رگه دورانم
 تمثالی از ارانی نستوهم
 تمثیلی از صلابت و ایمانم
 چون روزه تبلوری از ابتکار
 آن شرزه شیر پیشه شهرانم
 آماج سنگ تهمت نامردان
 منضوب کین و فتنه شیطانم
 با قامت رسای فدائیکاری
 چون صخره در برابر طوفانم
 از پتک حادثات هراسم نیست
 فولاد آبدیده سندانم
 پرشور و پر خروش و ستیهدنه
 آتشفشان تفتت جوشانم
 مر یار غار و همسفر خلقم
 من عضو حزب توده ایرانم
 خورشید رهنمای منای حزب
 کس را بدل به غیر نونشانم
 گر بند بند من گسندند از هم
 از راه رسم تو، روی نگردانم
 ۲۷ تیر ۱۳۵۸ - م. گیلک

کوبای سوسیالیستی پشتیبان انقلاب ایران

روز جمعه ۱۲ مرداد ماه، یک هیئت رسمی از کوبا، بریاست «آنتونیو اسکول پورا»، وزیر صنایع شیمیایی آن کشور، وارد تهران شد. این هیئت درباره شرکت ایران در کنفرانس کشورهای غیرمتهم، که در هاوانا تشکیل خواهد شد، با مقامات دولتی ایران مذاکره خواهد کرد.

ورود نخستین هیئت رسمی از کوبا به ایران پس از انقلاب را، مردم ایران همه نیروهای راستین انقلابی تهنیت میکنند. این تهنیت تشریفاتی نیست، تهنیت دوست به دوست است، زیرا همه میدانند که رژیم خائن شاه مخلوع، فقط بدلیل آنکه کوبای سوسیالیستی از جنبش انقلابی مردم ایران و نیروهای انقلابی و مترقی ایران پشتیبانی میکرد، مناسبات دیپلماتیک خود را به بهانه‌های پوچ و مضحک با کوبا قطع کرد. همه میدانند که کوبای سوسیالیستی از نخستین کشورهای است که بدون قید و شرط، صادقانه و با تمام نیرو از انقلاب پیروزمند مردم ایران و حکومت جمهوری اسلامی ایران پشتیبانی کرده و میکند.

مردم ایران انتظار داشتند که پس از پیروزی انقلاب، دولت موقت بلافاصله مناسبات دیپلماتیک ایران جمهوری را با کوبای سوسیالیستی برقرار کند و از کمک مادی و معنوی کوبای انقلابی برای حفظ و تحکیم و گسترش دستاوردهای انقلاب ایران استفاده نماید. متأسفانه این خواست مردم ایران، ۶ ماه پس از پیروزی انقلاب، هنوز انجام نگرفته است.

ما امیدواریم که حضور هیئت رسمی کوبا در ایران فرصتی باشد برای حل فوری و نهائی مسئله استقرار مناسبات دیپلماتیک ایران و کوبا - که در واقع اصلاً مسئله‌ای نیست. علاوه بر این ما امید داریم که مسئله شرکت ایران در کنفرانس هاوانا و پیوستن به جرگه کشورهای غیر متهم نیز در مذاکراتی که بین هیئت رسمی کوبا و مقامات دولتی ایران صورت میگیرد، بطور قطعی و نهائی حل شود، زیرا این نیز یکی از خواستهای فوری و اساسی مردم ایران بود و هست.

اطلاعیه دبیر خانه کمیته مرکزی حزب توده ایران

پس از اعلام نامزدی غلامرضا روحانی شهرکی از اصفهان برای مجلس خبرگان، افسرد و ساگر و همایی، که هويت آنها برای ماروشن نیست، مدارکی دال بر همکاری وی بسا ساواک منحل در شهرستاندار دادند و روزنامه «انقلاب اسلامی» نیز آنرا در شماره ۱۱ مرداد ۱۳۵۸ خود منتشر کرد.

لازم به یادآوری است که سازمان حزب توده ایران در اصفهان، بلافاصله پس از اطلاع از وجود چنین مدارکی، طی اعلامیه‌ای شخص نامبرده را از فهرست نامزدهای حزب در اصفهان حذف کرد و مراتب را به آگاهی همگان رساند.

اینکه ساواک زنده‌ای بتواند در صفوف حزبی که دهها سال در سخت‌ترین شرایط، از جمله سالیان دراز در شرایط مخفی، مبارزه کرده و تازه فعالیت علنی خود را آغاز نموده، رخنه کند، جای شگفتی نیست، بویژه اگر در نظر بگیریم که در بین نامزدهای برخی دیگر از احزاب و گروهها نیز افراد مشکوکی وجود داشته‌اند. شکفتن آرد آنستکه چرا و به چه علت محافل دولتی، علیرغم خواستهای مکرر حزب ما سایر نیروهای ملی و مترقی، فهرست ساواک‌های را که در دست دارد منتشر نمیکنند، که هم مردم این افراد را به اسم و رسم بشناسند و هم احزاب و گروههای سیاسی از گردن آنان مصون بمانند و بدینسان نیز جلوی خرابکاریها و توطئه‌های این قبیل عناصر سد گردد؟

حزب توده ایران کناره‌ای این پرسش را مطرح ساخته و از مقامات مسئول انتشار هر چه زودتر فهرست ساواک‌ها را خواستار شده است. اما متأسفانه مسئولین امر تاکنون در این مورد سکوت اختیار کرده‌اند.

آنچه در اصفهان گذشت، نشانگر آنست که مقامات مسئول دانسته و فهمیده مهر سکوت بر لب نهاده‌اند، که کس فرصت علیه این وی آن گروه و یا حزب سیاسی تبلیغاتی برآوردند. ما معتقدیم که چنین تاکتیکی حداقل جوانمردانه نیست و بار دیگر مصرأ از دولت موقت میخواهیم که هر چه زودتر فهرست ساواک‌ها را در معرض افکار عمومی قرار دهد.

دبیر خانه کمیته مرکزی حزب توده ایران
 ۱۳ مرداد ماه ۱۳۵۸

امپریالیسم امریکا، با وجود شکستهای خود، به توطئه علیه خلقها ادامه میدهد

روزنامه ایژوستیا، در تفسیری پیرامون تحولات درودزیا و خاورمیانه، می نویسد:

تحولات در رودزیا و خاورمیانه ناشدهی بر این واقعت هستند که محافل حاکمه آمریکا اکنون دست به مانورهای تازه‌ای زده‌اند و هدف از این مانورها از میان بردن موانع اصلی طرحهای تجاوزه‌کارانه آنهاست. در هر دو ناحیه، این مانع اصلی، همانا مبارزه مداوم و روزافزون خلقها برای آزادی و استقلال است. در افریقای جنوبی، جنبش آزادیبخش از سوی جبهه میهن پرستان زیمبابوه رهبری میشود. و خلق فلسطین نیز بر رهبری سازمان آزادیبخش فلسطین، که توانسته است در سازمان ملل و بسیاری از سازمانهای جهانی دیگر برسمیت شناخته شود، به مبارزه‌ای بزرگ دست زده است. این مبارزه جبهه ضد امپریالیستی و ضد صهیونیستی کشورهای عربی را، که بیشترشان باخشم فراوان توطئه امریک-مصر-اسرائیل را علیه کشورهای خاورمیانه محکوم کردند، تقویت می کند.

در این شرایط و اوضاع و احوال، آمریکا تلاش دارد که سیاست «حل و فصل داخلی» را به جبهه میهن پرستان زیمبابوه تحویل کند و از راههای اختلافات در بطن جبهه، که بر سر مسائل تاکتیکی مبارزه وجود دارد، بفتح خود استفاده کند.

اوضاع جاری در رودزیا مستلزم هشدار بیشتر و مسئولیت بزرگتر رهبران جبهه میهن پرستان است. این جبهه، امید خلقهای زیمبابوه، نامسی بپاوتامسی جنوب آفریقا است که برای آزادی کامل قاره از یوغ نژادپرستی و آپارتاید می‌رزمند.

در منطقه دیگری، در خاورمیانه، تهنای آمریکا با اسرائیل و مصر نتوانسته است به تجاوزه‌اسرائیل علیه لبنان پایان دهد و یا به حلا و فصل کامل بحران منجر شود همچنین این تهنای موفق نشده است که موضع امپریالیسم آمریکا را بنحو مطلوب در منطقه نفت خیز و مهم خاورمیانه تحکیم بخشد. اعتراف به شکست آمریکا را می توان در تهدیدهای نظامی فزاینده‌ای که علیه کشورهای نفت خیز عرب بعمل می‌آید، مشاهده کرد. و این نشان میدهد که مجاری معمولی دیپلماتیک نتوانسته‌اند نتایج مطلوب را به بار آورند. در همان حال تهدید نظامی تنها می‌تواند تأکیدی بر ضعف دیپلماسی آمریکا باشد.

محافل حاکمه آمریکا با این حال از این مسئله آگاه شده‌اند که مشکل فلسطین مانع اصلی حصول به هدفهای آمریکا در منطقه است و این محافل میخواهند این مشکل را، نه از طریق حل و فصل عادلانه، بلکه با نابود کردن آن حل کنند.

اطلاعیه دبیر خانه کمیته مرکزی حزب توده ایران

در روزنامه اطلاعات، مورخ ۱۳ مردادماه ۱۳۵۸، خبری درج شده بود دایر بر اینکه گویا در حوزه ۱۳۲۰، واقع در خیابان رباط کریم فرعی، حسینیه سوسنگرد، شخصی بنام میکائیل روزبه، یکی از اعضای هیئت نظارت این حوزه، آراه زیادی را به نفع یکی از کاندیداهای حزب توده ایران به صندوق ریخته است. ما نمیدانیم این خبر، که توطئه جدیدی است علیه نامزدهای حزب توده ایران، از جانب چه کسی و یا چه مقامی در اختیار رسانه‌های گروهی گذارده شده است. اما میدانیم که میکائیل روزبه یکی از اعضای سازمان باصلاح رهایی-بخش خلقهای ایران و از یاران نزدیک عامل ساواک، سیروس نهاوندی است که در زندان به نفع ساواک منحل فعالیت گسترده‌ای داشت و عنصری

دبیر خانه کمیته مرکزی حزب توده ایران
 ۱۳ مرداد ماه ۱۳۵۸

و بنا بر این به ایجاد تفرقه در صفوف سازمان آزادی بخش فلسطین و اهلی کردن جنبش مقاومت فلسطین دل بسته‌اند. نمیتوان این احتمال را از نظر دور داشت که ممکن است آمریکایی کند با استفاده از کشورهای اروپای غربی، بتواند «قائم مقام» خود، فلسطینی‌ها را «رام» کند.

این مانورهای جاری امپریالیست‌ها و نژادپرستان و صهیونیست‌ها در جنوب آفریقا و خاورمیانه، مستلزم هشدار بسیار از سوی خلقهای این مناطق است. بویژه وحدت در صفوف جبهه میهن پرستان و سازمان آزادی بخش فلسطین اهمیت اساسی دارد.

مردم ترقیخواه جهان، که در پهنه جهانی نفوذ و اعتبار بیشتری بدست می‌آورند، از آنها حمایت می‌کنند.

حزب توده ایران و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران از انتشارات حزب توده ایران منتشر شد

مردم ارگان مرکزی حزب توده ایران فعلا هر هفته سه شماره، شنبه، دوشنبه و چهارشنبه منتشر می‌شود. نشانی، خیابان ۱۶ آذر، شماره ۶۸، تلفن، ۹۳۳۴۵۹ و ۹۳۵۷۲۸

تصحیح
 رفیق عباس چگری، عضو هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران است که در شماره گذشته، اشتیها عضو کمیته مرکزی چاپ شده است. بدینوسیله با وزش تصحیح میشود

از کمکهای رفقا و دوستان سپاسگزاریم

زاهد یک دستگاه ماشین تحریر	لاابن
م. لاله ۵۰۰۰ ریال	
م. الف ۱۵۰۰ ریال	
نصرت. ن. ۱۰۰۰۰۰ ریال	
۴۷۱۰۰ ریال	
فرهادشاکری از رشت (به حزب پدرش) ۵۰۰۰ ریال	

برقراری اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دمکراتیک ایران در جبهه متحد خلق